




The University of Tehran Press

International Humanitarian Law Challenges in the Protection of the Marine Environment

Fatemeh Hosseinpour Khoshghalb¹  | Fatemeh Keyhanlo² 

1. Ph.D. Student in International Law, Islamic Azad University, Karaj Branch, Karaj, Iran.
Email: khoshghalb.2015@gmail.com
2. Corresponding Author; Assistant Prof. Faculty of Law and Political Sciences, Islamic Azad University, Karaj Branch, Karaj, Iran. Email: fkeyhanlou@gmail.com

Article Info	Abstract
Article Type: Research Article	In recent decades, various armed conflicts have created threats to the marine environment. The Gulf War of 1990-91, the Israeli attacks on The Jiyeh Power Station in 2006, and the massive oil spill in the Persian Gulf and the Mediterranean Sea have all caused serious damage to the marine environment. The need to prevent, reduce and control pollution of the marine environment as a result of armed conflict is an important task for international humanitarian law. The purpose of this study is to explain the challenges faced by international humanitarian law in the protection of the marine environment. The findings of the paper show that international humanitarian law faces significant normative gaps in this field that seriously affect its ability to protect the marine environment. The appropriate responses to maritime environmental challenges during armed conflict include: adoption of precautionary measures, applying the Martens clause, updating pertinent provisions, explaining the scope of existing norms and conclusion of new provisions governing armed conflicts as regards maritime environmental protection.
Pages: 1465-1489	
Received: 2021/08/08	
Received in revised form: 2021/10/03	
Accepted: 2021/12/19	
Published online: 2023/09/23	
Keywords: <i>international humanitarian law; marine environment; armed conflict; marine pollution.</i>	
How To Cite	Hosseinpour Khoshghalb, Fatemeh; Keyhanlo, Fatemeh (2023). International Humanitarian Law Challenges in the Protection of the Marine Environment. <i>Public Law Studies Quarterly</i> , 53 (3), 1465-1489. DOI: https://doi.com/10.22059/jpls.q.2021.327124.2830
DOI	10.22059/jpls.q.2021.327124.2830
Publisher	The University of Tehran Press. 



انتشارات دانشگاه تهران

فصلنامه مطالعات حقوق عمومی

شاپا الکترونیکی: ۸۱۳۹-۲۴۲۳

دوره: ۵۳، شماره: ۳

پاییز ۱۴۰۲

Homepage: <http://jpls.ut.ac.ir>

چالش‌های حقوق بین‌الملل بشر دوستانه در حفاظت از محیط زیست دریایی

فاطمه حسین پور خوش‌قلب^۱ | فاطمه کیهانلو^۲

۱. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی-واحد کرج، کرج، ایران. رایانامه: khoshghalb.2015@gmail.com
 ۲. نویسنده مسئول؛ استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی-واحد کرج، کرج، ایران. رایانامه: fkheyhanlou@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: پژوهشی</p> <p>صفحات: ۱۴۶۵-۱۴۸۹</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۱۷</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۰۷/۱۱</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۲۸</p> <p>تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۲/۰۷/۰۱</p> <p>کلیدواژه‌ها: <i>آلودگی دریایی، حقوق بین‌الملل بشر دوستانه، محیط زیست دریایی، مخاصمه مسلحانه.</i></p>	<p>در دهه‌های اخیر وقوع مخاصمات مسلحانه تهدیدات جدی برای محیط زیست دریایی ایجاد کرده است؛ جنگ خلیج فارس ۱۹۹۰-۱۹۹۱، حملات رژیم اسرائیل به «بیروگاه برق جبه» در سال ۲۰۰۶ و نشت فراوان نفت در خلیج فارس و دریای مدیترانه از خسارات جدی است که در نتیجه مخاصمه بر محیط زیست دریایی تحمیل شده است. ضرورت پیشگیری، کاهش و تحت کنترل درآوردن آلودگی محیط زیست دریایی در نتیجه مخاصمه مسلحانه، وظیفه‌ای خطیر برای حقوق بین‌الملل بشر دوستانه به‌عنوان محوری‌ترین شاخه حقوق بین‌الملل ناظر بر مخاصمات مسلحانه است. پژوهش حاضر با هدف تبیین مسائل و چالش‌های حقوق بین‌الملل بشر دوستانه در حفاظت از محیط زیست دریایی، به‌دنبال ارزیابی ابزارهای محافظتی از محیط زیست دریایی هنگام مخاصمه است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که حقوق بین‌الملل بشر دوستانه در حفاظت از محیط زیست دریایی در هنگام مخاصمه با خلأها و شکاف‌های هنجاری زیادی مواجه است که توانایی و ظرفیت آن را در پاسداری و حفاظت از محیط زیست دریایی تحت تأثیر جدی قرار می‌دهد. اتخاذ تدابیر احتیاطی، به‌کارگیری شرط مارتس، ضرورت به‌روزرسانی مقررات مربوط، تبیین و تعریف دامنه هنجارهای موجود وضع مقررات جدید ناظر بر مخاصمات مسلحانه در زمینه حفاظت از محیط زیست -به‌طور مشخص محیط زیست دریایی- از جمله پاسخ‌های مناسب برای مقابله با چالش‌های محیط زیست دریایی در هنگام مخاصمه است.</p>
<p>استناد</p> <p>حسین پور خوش‌قلب، فاطمه؛ کیهانلو، فاطمه (۱۴۰۲). چالش‌های حقوق بین‌الملل بشر دوستانه در حفاظت از محیط زیست دریایی. <i>مطالعات حقوق عمومی</i>، ۵۳ (۳)، ۱۴۶۵-۱۴۸۹.</p> <p>DOI: https://doi.com/10.22059/jplsq.2021.327124.2830</p>	
DOI	10.22059/jplsq.2021.327124.2830
ناشر	مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.



۱. مقدمه

مقررات حقوق بین‌الملل بشردوستانه، قواعد بین‌المللی ایجادشده از رهگذر معاهدات یا عرف‌های بین‌المللی هستند که حق طرف‌های مخاصمه را برای استفاده از شیوه‌ها یا وسایل جنگی محدود می‌کنند یا از دولت‌هایی که طرف مخاصمه نیستند و یا اشخاص و اهدافی که از مخاصمه متأثر می‌شوند یا محتمل است که تأثیرپذیرند، حمایت می‌کنند (ICRC, 2003: 1; UNEP, 2009: 10). بنابراین حقوق بین‌الملل بشردوستانه صرفاً تا حدی از محیط زیست دریایی حمایت می‌کند که در جریان یک مخاصمه باشد.

اکوسیستم دریایی سیستمی «خودبسنده»^۱ و «خودتعدادبخش»^۲ است که در برابر دخالت‌های خارجی بسیار آسیب‌پذیر است. بازیابی این سیستم از هرگونه آلودگی عمده، از جمله آلودگی ناشی از مخاصمه مسلحانه در دریا، فرایند طولانی‌مدتی خواهد بود. خسارت ناشی از آلودگی به‌سختی برطرف می‌شود و گاهی هم جبران‌شدنی نیست. با توجه به برخی از آلودگی‌های ناشی از مخاصمه در دریا - برای مثال هنگامی که کشتی‌های هسته‌ای یا کشتی‌هایی که سلاح هسته‌ای دارند غرق می‌شوند - آسیب احتمالی به محیط زیست دریایی بسیار پیش‌بینی‌ناپذیر و به‌طور بالقوه فاجعه‌بار است (Ma & Sun, 2016: 538). برای نمونه در ۲ مارس ۱۹۸۳، در جنگ عراق علیه ایران، بمب‌افکن‌های عراقی، هفت سکوی استخراج نفت را در حوزه نفتی نوروز در خلیج فارس مورد حمله قرار دادند که در نتیجه آن و خودداری عراق از پذیرش آتش‌بس به‌منظور تعمیر چاه‌های نفتی منهدم‌شده، تخریب محیط زیست دریایی، به میزان زیادی اتفاق افتاد (ممتاز، ۱۹۹۶: ۳۱۰).

تبیین و تحلیل مسائل و چالش‌های مذکور و همچنین این واقعیت که محیط زیست دریایی می‌تواند قربانی خاموش مخاصمات مسلحانه باشد، سؤالات حقوقی مهمی را ایجاد می‌کند؛ اینکه حقوق بین‌الملل بشردوستانه تا چه حد از توانایی مقابله با آلودگی محیط زیست دریایی برخوردار است؟ یا اینکه اعمال قواعد و مقررات حقوق بین‌الملل بشردوستانه چگونه می‌تواند به حفاظت از محیط زیست دریایی هنگام مخاصمه منجر شود؟

به‌منظور پاسخ به این پرسش‌ها، هنجارها و ابزارهای محافظت‌کننده از محیط زیست دریایی در هنگام مخاصمات مسلحانه به دو دسته اصلی تقسیم می‌شوند: نخست) اصول بنیادین حقوق بین‌الملل بشردوستانه؛ و دوم) سایر هنجارهای مرتبط با حفاظت از محیط زیست در زمان مخاصمات مسلحانه. با عنایت به تقسیم‌بندی مذکور، چالش‌های حقوق بین‌الملل بشردوستانه در حفاظت از محیط زیست دریایی

1. self-contained
2. self-balanced

هنگام مخاصمات مسلحانه بررسی می شود. همچنین در پایان، امکان سنجی مسئولیت دولت ناقض محیط زیست دریایی در هنگام مخاصمه مسلحانه بررسی می شود.

۲. ملاحظات کلی

مخاصمه مسلحانه آسیب های مستقیم و غیرمستقیم زیست محیطی ایجاد می کند که می تواند سلامتی، معیشت و امنیت مردم را به خطر بیندازد. اولین مورد توجه گسترده مردم به آسیب های زیست محیطی ایجاد شده در نتیجه مخاصمات مسلحانه به استفاده ایالات متحده آمریکا از ماده شیمیایی سمی «عامل نارنجی»^۱ در طول جنگ ویتنام برمی گردد (UNEP, 2009: 8). دومین مورد شایان توجه، در نتیجه سوزاندن چاه های نفت در طول جنگ کویت-عراق (۱۹۹۱-۱۹۹۹) اتفاق افتاد. از موارد بعدی می توان به آلودگی شیمیایی پس از بمباران سایت های صنعتی در کوزوو (۱۹۹۹) و نشت نفت در دریای مدیترانه در طول جنگ اسرائیل و لبنان (۲۰۰۶) اشاره کرد که تنها چند نمونه از آسیب های زیست محیطی اند که طی یک مخاصمه مسلحانه ایجاد شده اند (Lindén, 2017: 3). در میان مقررات بین المللی، حمایت های بنیادین زیست محیطی، در چارچوب حقوق حاکم بر مخاصمات مسلحانه گنجانده شده است؛ به طور مشخص مواد ۳۵ و ۵۵ پروتکل الحاقی اول ۱۹۷۷ کنوانسیون های ژنو ۱۹۴۹ در این خصوص شایان توجه هستند.

توسعه حقوق بین الملل طی چند دهه اخیر در راستای حفظ محیط زیست، ناشی از آگاهی در خصوص زوال خطرناک محیط زیست طبیعی در اثر اعمال بشر است (هنرترز و دوسوالدبک، ۱۳۸۷: ۲۴۹). تحول و توسعه مذکور توسط دیوان بین المللی دادگستری در پرونده مربوط به پروژۀ «گابچیکوو ناگیماروس» نیز دنبال شده است؛ جایی که این دیوان مصلحت یک کشور در حفظ محیط زیست طبیعی خود را به عنوان «مصلحت اساسی» به رسمیت شناخته است. امری که یک کشور می تواند عدول خود از سایر تعهدات بین المللی را با استناد به دکتربین ضرورت توجیه کند (ICJ, 1997: 53). دیوان در تبیین حالت ضرورت مندرج در ماده ۳۳ سابق و ۲۵ فعلی طرح پیش نویس مسئولیت کشورها در برابر اعمال متخلفانه بین المللی، مصوب ۲۰۰۱ مقرر می دارد: «رتکاب عمل متخلفانه باید به علت حفظ منافع اساسی دولت متخلف باشد. آن منافع به واسطه خطر قریب الوقوع و جدی مورد تهدید باشد. عمل متخلفانه تنها ابزار محافظت از منافع اساسی باشد. عمل متخلفانه نباید به طور جدی به منافع اساسی دولت در خصوص تعهدات موجود آسیب وارد آورد و دولت مسئول عمل متخلفانه در ایجاد حالت ضرورت نقشی نداشته باشد» (ICJ, 1997: 52). دیوان شرایط مذکور را انعکاس حقوق بین الملل عرفی می داند (ICJ, 1997: 52).

در بررسی چالش‌های حقوق بین‌الملل بشردوستانه در حفاظت از محیط زیست دریایی، مطالعه اصول اولیه حقوق بین‌الملل بشردوستانه امری ضروری است؛ اصول و شروطی همچون تفکیک، تناسب، ضرورت، شرط مارتنس. این اصول به‌عنوان مکمل و زیربنای ابزارهای مختلف حقوق بین‌الملل بشردوستانه، برای همه کشورهای الزام‌آورند (UNEP, 2009: 10).

۱.۲. اصل تفکیک

این اصل در رابطه با طرفین مخاصمه است، متخاصمان باید همیشه میان اهداف و اموال نظامی و غیرنظامی تمیز قائل شوند (هنکرتز و دوسوالدیک، ۱۳۸۷: ۹۳؛ ۵۲(۲): ۴۸ & ۵۲(۲): ۹۳). حملات کورکورانه و بدون تفکیک ممنوع است (هنکرتز و دوسوالدیک، ۱۳۸۷: ۱۰۹). می‌توان ادعا کرد که با توجه به ماهیت غیرنظامی بیشتر مکان‌های دارای اهمیت محیط زیست دریایی و مناطق حفاظت‌شده، هدف قرار دادن چنین مناطقی مغایر با اصل تفکیک خواهد بود (UNEP, 2009: 13). با وجود این ممکن است استفاده از این اصل در عمل دشوار باشد؛ برای مثال هدف قرار دادن تأسیسات صنعتی مانند نیروگاه‌ها یا کارخانه‌های شیمیایی و بنادر که ممکن است به‌عنوان یک کمک مستقیم به اقدامات نظامی مستمر در نظر گرفته شوند، می‌تواند تأثیرات مهمی بر محیط زیست دریایی داشته باشد. با توجه به اینکه درآمد حاصل از این مناطق به غلبه در جنگ کمک می‌کند، آیا می‌توان منطقه حفاظت‌شده را به‌عنوان یک هدف قابل قبول در نظر گرفت؟

باید توجه داشت خصوصیت محیط زیست اغلب آن را در شمار اهداف غیرنظامی قرار می‌دهد (Bothe et al., 2010: 576) و مقررات عمومی ناظر بر حفاظت از محیط زیست دریایی در هنگام مخاصمات، باید بر آنها اعمال شوند، مگر آنکه اهداف موردنظر، به طریق دیگری، به یک هدف نظامی مشروع تبدیل شده باشند؛ زیرساخت‌ها، تأسیسات، موقعیت‌های نظامی، مواد و اسلحه‌های نگهداری شده در آنها، وسایل حمل‌ونقل نظامی و ارتباطی دشمن در شمول اهداف نظامی قرار می‌گیرند (Ma & Sun, 2016: 524). چنانچه از اهداف غیرنظامی برای اهداف نظامی استفاده شود، مانند زمانی که پدافند هوایی در عرشه کشتی تجاری مستقر شده باشد، آن کشتی ممکن است به‌عنوان هدف نظامی در نظر گرفته شود و در نتیجه مورد حمله مسلحانه قرار گیرد. علاوه بر این، هنگامی که اهداف نظامی در منطقه دریایی مستقر شوند یا در آن در حرکت باشند (همچون ناوگان کشتی‌های جنگی)، این منطقه ممکن است به‌طور مؤثر در اقدامات نظامی نقش داشته و خنثی‌سازی آن یک مزیت نظامی مشخص را به‌همراه داشته باشد. بنابراین به یک هدف نظامی تبدیل می‌شوند (Ma & Sun, 2016: 524).

۲.۲. اصل ضرورت نظامی

در جنگ هر متخاصمی تنها می‌تواند آن میزان و آن نوع از زور را به کار گیرد که برای شکست دشمن ضروری باشد (فلک، ۱۳۸۷: ۵۷). اصل ضرورت نظامی به این معناست که استفاده از نیروی نظامی فقط در حدی که برای دستیابی به یک هدف نظامی مشخص ضروری باشد، مجاز است. افزون بر این اصل ضرورت نظامی به دنبال منع اقدامات نظامی است که هیچ هدف نظامی مشخص و قطعی ندارند (UNEP, 2009: 13).

موضوع مهمی که باید به آن توجه شود این است که فقط تخریب گسترده اموال که به دلیل ضرورت نظامی توجیه‌پذیر نباشد و به طور غیرقانونی و افراط‌گونه انجام گرفته باشد، نقض فاحش حقوق بین‌الملل بشردوستانه است. این مفهوم بیشتر در ماده ۱۱۴۷ کنوانسیون چهارم ژنو مورد حمایت قرار گرفته و به موجب شق «ب» (۴) بند ۲ ماده ۸ اساسنامه رم، جنایت جنگی محسوب می‌شود. محیط زیست دریایی تنها زمانی می‌تواند به یک هدف مشروع برای توسل به زور تبدیل می‌شود که ضرورت دستیابی به یک هدف نظامی مشروع ایجاب کند (مستفاد از قاعده ۴۳ مجموعه قواعد عرفی حقوق بین‌الملل بشردوستانه ۲۰۰۵). در حقیقت، احترام به محیط زیست یکی از عناصر ارزیابی انطباق یک عمل با اصل ضرورت است (ICJ, 1996: 30). اصل ضرورت با قانونی بودن توسل به زور در دریا ارتباط نزدیکی دارد، اما حتی استفاده از زور قانونی نیز ممکن است بر محیط زیست دریایی تأثیر بگذارد یا به آن آسیب وارد کند؛ چراکه اصل ضرورت فی‌نفسه رهنمودهایی را به منظور محدود کردن توسل به زور برای حمایت از محیط زیست دریایی ارائه نمی‌دهد (Ma & Sun, 2016: 536). در حقیقت، عدم قطعیت‌ها، ابهامات و ضعف‌های موجود در این چارچوب دوباره از جنبه ضرورت نظامی ناشی می‌شود؛ یعنی اغلب ضرورت نظامی به عنوان توجیه قانونی ارائه شده و بدین صورت تخریب غیرقانونی محیط زیست نادیده گرفته می‌شود (Craig, 2016: 7).

۲.۳. اصل تناسب

تناسب یک مفهوم مکمل و اغلب بخشی از ضرورت نظامی است. آسیب‌های وارده به اهداف غیرنظامی که از خسارت جانبی ناشی از عملیات نظامی حاصل می‌شود، باید متناسب با مزیت قطعی باشد که از انجام عملیات نظامی انتظار می‌رود (Schmitt, 1997: 55). شروع به حمله‌ای که انتظار می‌رود موجب تلفات غیرنظامی،

۱. «نقض فاحش کنوانسیون به حساب می‌آید ... تخریب و تصرف گسترده اموال، که به دلیل ضرورت نظامی قابل توجیه نیست و به طور غیرقانونی و افراط‌گونه انجام می‌شود.»

آسیب به غیرنظامیان، صدمه به اموال غیرنظامی یا ترکیبی از این موارد شود و این خسارت زیاده بر مزیت عینی و مستقیم نظامی مورد انتظار باشد، ممنوع است (API, 1977: Art 51(5)(b)). برای نمونه تخریب یا سوزاندن بنادر و اسکله‌های دریایی برای رسیدن به یک هدف نظامی کوچک، راهبردی نامتناسب در رسیدن به یک مزیت نظامی است. بسیاری از موارد آسیب به محیط زیست دریایی می‌تواند به‌عنوان یک پاسخ «نامتناسب» در برابر تهدید ارزیابی شده و بنابراین غیرقانونی تلقی شوند. این عقیده بیشتر کارشناسان در مورد آلودگی گسترده ناشی از آتش زدن میادین نفتی و میلیون‌ها بشکه نفتی بود که عمده در طول جنگ خلیج فارس ۱۹۹۰-۱۹۹۱ به دریا ریخته شد (UNEP, 2009: 13). برای مثال در آخرین لحظات جنگ مذکور، تقریباً ۶۰۰ چاه نفت توسط نیروهای عراقی آتش زده شد و ۱۷۵ چاه باقی‌مانده نیز دچار خسارت زیاد شدند، در عمل این اقدامات شاید هیچ یا به اندازه بسیار محدود، ارزش نظامی داشته‌اند (رابرتس، ۱۳۹۰: ۳۶۸-۳۶۹). مفهوم اساسی در خصوص اصل تناسب «استانه» است؛ مطابق حقوق بین‌الملل بشردوستانه، اگر خسارت جانبی زیست‌محیطی مورد انتظار ناشی از توسل به زور، از هدف نظامی موردنظر بیش‌ازحد تشخیص داده شود، حمله موردنظر غیرقانونی تلقی می‌شود، چراکه از استانه عبور کرده است (Thomas, 2014: 110). بنابراین، صدمات زیست‌محیطی ناشی از مخاصمات مسلحانه تنها زمانی قابل تحمل است و غیرقانونی تلقی نمی‌شود که خسارت جانبی از استانه موردنظر بیشتر نباشد (Ma & Sun, 2016: 537). با این حال، استفاده از اصل تناسب نمی‌تواند «آسیب گسترده، طولانی‌مدت و شدید به محیط زیست» را توجیه کند، که در همه موارد و سطوح ممنوع است. علی‌رغم گنجاندن عباراتی مانند «جتناب‌ناپذیر، منطقی» و «حداقل استفاده از زور» (ICJ, 1998: 84) برای محدود کردن روش‌ها یا شدت نیروی مورد استفاده، هیچ قانون یا ارزیابی مشخص و صریحی در حقوق معاهده‌ای یا عرفی برای تعیین اینکه آیا خسارت مشخصی بیش از استانه یا زیر آن قرار دارد، وجود ندارد (Ma & Sun, 2016: 537).

۴.۲. شرط مارتنس^۱

نهاد دیگری که می‌تواند در زمان مخاصمه مسلحانه مورد توجه قرار گیرد، استناد به شرط مارتنس است؛ شرط مارتنس در نخستین کنفرانس صلح لاهه (۱۸۹۹) مطرح و در دومین کنفرانس صلح (۱۹۰۷) تأیید

1. Martens Clause

فردریش ون مارتنس، مشاور حقوقی وزارت امور خارجه روسیه و به‌عنوان یک شرکت‌کننده ارشد در کنفرانس‌های صلح لاهه ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷، این شرط را در یک گفت‌وگوی دیپلماتیک موفق در ۱۲۰ سال پیش مطرح کرد و با موافقت دولت‌ها، توسعه داده شد. در حقیقت شرط مارتنس به تصدیق اصول انسانیت و اصول وجدان عمومی در سراسر جهان، کمک شایانی کرده است (Fleck, 2020: 250).

شد. همچنین در چهار کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنو (ماده ۶۳ کنوانسیون اول، ماده ۶۲ کنوانسیون دوم، ماده ۱۴۲ کنوانسیون سوم و ماده ۱۵۸ کنوانسیون چهارم) مورد استناد قرار گرفت. همچنین در یک چارچوب کلی‌تر در ماده ۱(۲) پروتکل الحاقی اول و همین‌طور در مقدمه (بند ۴) پروتکل الحاقی دوم مورد تصریح قرار گرفت (Fleck, 2020: 248-249). همچنین دیوان بین‌المللی دادگستری اعلام کرد که شرط مارتنس به‌خودی‌خود، همان‌طور که در بند ۲ ماده ۱ پروتکل الحاقی اول تصریح شده، بخشی از حقوق عرفی شده است (ICJ, 1996: 84). شرط مارتنس، مطابق ماده ۱ (۲) پروتکل الحاقی اول و همین‌طور در بند ۴ مقدمه پروتکل الحاقی دوم بدین‌صورت تعریف شده است: «در مواردی که در شمول این پروتکل یا دیگر موافقت‌نامه‌های بین‌المللی قرار نمی‌گیرد، غیرنظامیان و نظامیان تحت حمایت و اقتدار اصول حقوق بین‌الملل ناشی از عرف مسلم، اصول بشردوستانه و اصول وجدان عمومی باقی می‌مانند». این عبارت بی‌گمان به این معناست که حذف کلی یک موضوع در یک معاهده، به این معنا نیست که حقوق بین‌الملل باید لزوماً درباره این موضوع ساکت تلقی شود. در حقیقت، یک نوع تذکر است؛ مبنی بر اینکه معاهده موردنظر مانع از حمایت حقوق بین‌الملل عرفی نمی‌شود (فلیک، ۱۳۸۷: ۵۶). شرط مارتنس گستره وسیعی از هنجارهای قابل اجرا در مورد مداخلات مسلحانه را فراتر از آنچه در اسناد معاهده‌ای آمده است، در برمی‌گیرد (UNEP, 2009: 12). چارچوب و اساس این شرط از زمان تدوین، همواره مورد توجه و استناد بوده و در حال حاضر نسبت به کل قلمرو حقوق بین‌الملل بشردوستانه قابل اعمال است و پشتیبانی هنجاری مستحکم^۱ آن مبین مقبولیت جهانی و پذیرش عام شرط مارتنس در سطح بین‌المللی است (زرنشان، ۱۳۹۷: ۳۲۲).

برخی استدلال کرده‌اند که هیچ دلیلی وجود ندارد که حفاظت از محیط زیست از اصول ذکرشده در شرط مارتنس خارج شود (Sands, 1999: 261; Vöney, 2000: 218; Bothe, 1991:56). در حقیقت، در مرحله فعلی توسعه جامعه بین‌المللی، مقتضی است که حفاظت از محیط زیست تحت هر سه منبع ذکرشده در شرط مارتنس قرار گیرد (Bothe et al., 2010: 589). همچنین این‌گونه استدلال می‌شود که «نگرانی بین‌المللی برای محیط زیست که از طریق حقوق بین‌الملل محیط زیست ابراز می‌شود موجب شده است که حفاظت از محیط زیست به عاملی تبدیل شود که نیروهای نظامی باید در

۱. شرط مارتنس در کنوانسیون‌ها و معاهدات متعددی مقرر شده است؛ کنوانسیون سلاح‌های متعارف ۱۹۸۰ (مقدمه، بند ۵)، کنوانسیون مین‌های زمینی ضدنفر ۱۹۹۷ (مقدمه، پاراگراف ۸)، کنوانسیون مهمات خوشه‌ای ۲۰۰۸ (مقدمه، بند ۱۱)، مورد تصریح قرار گرفت. همچنین عناصر شرط مارتنس را می‌توان در پروتکل گاز ژنو ۱۹۲۵ (مقدمه، بند ۳-۱)، کنوانسیون سلاح‌های بیولوژیکی ۱۹۷۲ (مقدمه، بند ۱۰) و اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری ۱۹۹۸ (مقدمه، بند ۱)، مشاهده کرد.

تعیین ابزارها و روش‌های جنگی در نظر بگیرند» (Low & Hodgkinson, 1995: 445-446).

به دلیل نیازهای نظامی و نوآوری‌های تکنولوژیک، در طول سال‌ها سلاح‌های نظامی در حال توسعه هستند و تأثیر آنها بر محیط زیست دریایی همیشه پیش‌بینی‌پذیر نیست. در این زمینه، شرط مارتنس با تکیه بر این رویکرد که هر چیزی که در حقوق بین‌الملل بشردوستانه ممنوع نشده، الزاما مجاز نیست، می‌تواند نقش حیاتی ایفا کند (Ma & Sun, 2016: 539-540). بنابراین، در مواردی که شکاف‌هایی در چارچوب حقوقی بین‌المللی حاکم بر شرایط خاص وجود دارد - از جمله رابطه بین مخاصمات مسلحانه و محیط زیست دریایی - شرط مارتنس تصریح می‌کند که کشورها باید حداقل استانداردی را همان‌گونه که توسط استانداردهای «اصول بشردوستانه» و «اصول وجدان عمومی» مقرر شده است، رعایت کنند. به‌طور کلی، شرط مارتنس به‌عنوان یک اصل بنیادین حقوق بین‌الملل بشردوستانه و یک اصل اساسی محافظت از محیط زیست دریایی در غیاب سایر مقررات معاهده‌ای یا حقوق عرفی در نظر گرفته می‌شود (UNEP, 2009: 12).

«تحدادی بین‌المللی حفاظت از محیط زیست» تحت عنوان «شرط مارتنس برای حفاظت از محیط زیست» در دومین کنفرانس جهانی حفاظت از منابع طبیعی در «امان - اردن» در سال ۲۰۰۰ توصیه کرد «تا زمانی که مقررات بین‌المللی کامل‌تری برای حفاظت از محیط زیست تصویب نشده، در مواردی که تحت موافقت‌نامه‌ها و مقررات بین‌المللی نیستند، محیط زیست و تمام عناصر و فرایندهای تشکیل‌دهنده آن تحت حمایت و اقتدار اصول حقوق بین‌الملل منبعت از عرف مسلم، وجدان عمومی و اصول و ارزش‌های بنیادین بشریت که به‌عنوان پاسدارانی برای نسل‌های فعلی و آینده هستند، باقی می‌ماند» (IUCN, 2000: 106).

در حالی که بسیاری از محققان تفسیرهای مضیقی از دامنه شرط مارتنس ارائه می‌دهند، با این حال محدودترین تفاسیر نیز نشان می‌دهد که حتی در موارد خارج از حوزه کنوانسیون لاهه ناظر بر مخاصمات مسلحانه بین‌المللی، اهداف غیرنظامی همچنان از سطح ابتدایی محافظت به‌واسطه شرط مارتنس برخوردار می‌شوند. در همین زمینه باید گفت اگر از هرگونه سلاح جدید در مخاصمات مسلحانه در دریا استفاده شود، صرف نظر از اینکه مقرراتی در مورد منع یا محدودیت این سلاح‌ها وجود داشته باشد یا خیر، به‌کارگیری چنین سلاح‌هایی همچنان باید در انطباق با شرط مارتنس و تعهدات زیست‌محیطی مندرج در سایر قواعد عرفی حقوق بین‌الملل باشد (Sun, 2016: 540 & Ma).

۳. اتخاذ تدابیر احتیاطی در مخاصمه

اصل تدابیر احتیاطی بر اجتناب از آسیب به غیرنظامیان و اهداف غیرنظامی مربوطه متمرکز است. اما راهکاری در خصوص محافظت از محیط زیست به‌عنوان یک نگرانی مرجع ارائه نمی‌دهد (Ma & Sun,).

538: 2016). شق دوم از بند «الف» (۲) ماده ۵۷ پروتکل الحاقی اول ۱۹۷۷ به منظور اجتناب و به حداقل رساندن تلفات جانبی غیرنظامی، آسیب به غیرنظامیان و خسارت به اهداف غیرنظامی، در انتخاب ابزار و روش‌های جنگی محدودیت ایجاد می‌کند.

اتخاذ تدابیر احتیاطی در گزارش کمیته صلیب سرخ بین‌المللی به مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۳ در خصوص حفاظت از محیط زیست در زمان مخاصمه مسلحانه نیز مورد اشاره قرار گرفته است: احتیاط «یک اصل در حال ظهور، اما به‌طور کلی شناخته‌شده حقوق بین‌الملل است که [هدف آن] پیش‌بینی و جلوگیری از آسیب رساندن به محیط زیست و اطمینان از این است که در صورت وجود تهدیداتی دائر بر وجود صدمه جدی یا غیرقابل جبران، فقدان اطمینان و قطعیت علمی نباید به‌عنوان دلیلی برای به تعویق انداختن تدابیر پیشگیرانه از این آسیب‌ها مورد استفاده قرار گیرد»^۱. اتخاذ تدابیر احتیاطی وقتی که قطعیت علمی کافی در مورد پیامدهای زیست‌محیطی وجود نداشته باشد، می‌تواند محدودکننده پیامدهای مخاصمه مسلحانه در دریا باشد. البته اتخاذ تدابیر احتیاطی در چارچوب حقوق بین‌الملل محیط زیست نسبت به حقوق بین‌الملل بشردوستانه متفاوت است. اصل احتیاط در حقوق بین‌الملل محیط زیست برای اولین بار در سطح منطقه‌ای و در گفت‌وگوهای منطقه‌ای در مورد مسائل زیست‌محیطی دریایی توسط اولین کنفرانس وزیران در مورد حفاظت از دریای شمال در سال ۱۹۸۴ مطرح شد (Marr, 2003: 89-93). سپس از طریق اعلامیه ریو در مورد محیط زیست و توسعه در سال ۱۹۹۲ در سطح بین‌المللی معرفی شد. از آن زمان، این اصل مورد حمایت گسترده جامعه جهانی قرار گرفته است؛ به این صورت که یا در مقدمه بسیاری از معاهدات بین‌المللی زیست‌محیطی، گنجانده شده^۲ و یا به‌عنوان یک اصل راهنما^۳ و یا مبنای سیاست‌گذاری داخلی و قانونگذاری مورد استناد قرار گرفته است (O’Riordan & Cameron, 2013: 255-256). اصل احتیاط طبق حقوق محیط زیست هنوز فاقد تعریف ثابت است، اما شناخته‌شده‌ترین تعریف در مورد آن را می‌توان به اصل ۱۵ اعلامیه ریو نسبت داد: «به‌منظور حفاظت از محیط زیست، رویکرد احتیاطی با توجه به توانایی‌های کشورهای، به‌طور گسترده اعمال می‌شود. عدم اطمینان کامل علمی نباید به‌عنوان دلیلی برای به تعویق انداختن اقدامات مؤثر برای پیشگیری از تخریب محیط زیست در صورت وجود تهدیدات آسیب جدی یا غیر قابل جبران استفاده شود». به‌نظر می‌رسد که اصل احتیاط می‌تواند عناصر لازم برای تبدیل شدن به یک قاعده حقوق بین‌الملل عرفی را برآورده کند (Ma & Sun, 2016: 531). البته باید توجه داشت که اگرچه کاملاً مشخص

1. See: www.icrc.org/eng/resources/documents/report/5deesv.htm. Last visited: 06 May 2021.
2. See: the Preamble to the Convention for the Protection of the Marine Environment of the North-East Atlantic, 22 September 1992.
3. See: Basel Convention on the Control of Transboundary Movements of Hazardous Wastes and Their Disposal, 22 March 1989, Art. 4(2)(a).

نیست که توسل به حقوق بین‌الملل محیط زیست تا چه اندازه از محیط زیست دریایی هنگام مخاصمه حمایت می‌کند، اما در نظر گرفتن کاربرد بالقوه آن هنگام درگیری مسلحانه مهم است و این کاربرد نباید از محدوده و شرایط مقررات مربوط فراتر رفته یا با قوانین خاص حقوق بین‌الملل بشردوستانه مغایر باشد.

با توجه به برگشت‌ناپذیری و پیش‌بینی‌ناپذیر بودن آلودگی محیط زیست دریایی، تفسیر اصل احتیاط در حقوق بین‌الملل محیط زیست ایجاب می‌کند که کشورها با توجه به عواملی مانند سلاح‌های مورد استفاده و ابزارها و روش‌های جنگی به کار گرفته‌شده، از جمله عناصر شیمیایی و دامنه تأثیر سلاح‌ها و مدیریت پسماندهای خطرناک جهت تخلیه قبل، حین و بعد از مخاصمه، آثار زیست‌محیطی اقدامات خود را ارزیابی کنند (Ma & Sun, 2016: 539). در مخاصمات مسلحانه احتمالی در دریا، حمله علیه کشتی‌های نظامی هسته‌ای کاملاً محتمل به نظر می‌رسد. همچنین ممکن است کشتی‌ها و سکوها‌ی غیرنظامی با انرژی هسته‌ای در زمان درگیری‌های مسلحانه مورد تهاجم قرار بگیرند. هنگامی که به چنین کشتی‌ها یا سکوهایی حمله شده و ماده رادیواکتیو نشت می‌شود، ممکن است منطقه اطراف به شدت آلوده شده و زنجیره غذایی دریایی تحت تأثیر قرار گیرد (Ma & Sun, 2016: 539). برای نمونه هیچ قاعده خاصی در مورد کشتی‌های نظامی هسته‌ای به عنوان اهداف نظامی در حقوق بین‌الملل بشردوستانه وجود ندارد. به همین ترتیب، هیچ قانون خاصی در مورد کشتی‌ها و سکوهایی غیرنظامی با انرژی هسته‌ای در حقوق بین‌الملل دریاها یا حقوق بین‌الملل محیط زیست وجود ندارد. مجموعه‌ای از مقررات احتیاطی در این زمینه باید در توسعه حقوق مربوط به مخاصمه مسلحانه در دریا مدنظر قرار گیرد (Ma & Sun, 2016: 539). از طرف دیگر، با وجود اختلافات در مورد وضعیت حقوقی اصل احتیاط، بهتر است این اصل با عنایت به کارکرد آن در رویه دولت‌ها در نظر گرفته شود: بدان معنا که اصل احتیاط ممکن است ملاحظات و چارچوب‌های گفتمانی واجد شرایطی را برای سیاست یا تصمیمات یک کشور در زمینه مخاصمه در دریا با هدف حفاظت از محیط زیست فراهم کند و حتی در ارائه رهنمودها و ارزیابی‌ها در مذاکرات و رایزنی‌های میان کشورها نیز تأثیر داشته باشد. ضرورت مخاصمه مسلحانه و توسل به زور در دریا ممکن است به واسطه عملیات نظامی غیر از جنگ مانند کنترل تسلیحات کاهش یابد یا دست‌کم به حداقل برسد. عدم اتخاذ تدابیر کم‌ضرر ممکن است به نقض اصل اتخاذ تدابیر احتیاطی منجر شود (Ma & Sun, 2016: 539).

برای تبیین کارکرد تدابیر احتیاطی در چارچوب حقوق بین‌الملل بشردوستانه، در ادامه مواد (۳) و ۳۵ و (۱) ۵۵ پروتکل الحاقی اول کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ و همچنین قواعد ۴۴ و ۴۵ از مجموعه قواعد عرفی حقوق بین‌الملل بشردوستانه ۲۰۰۵، بررسی می‌شوند.

۱.۳. تشریح مواد ماده ۳۵ (۳) و ماده ۵۵ (۱)

ماده ۳۵ مربوط به قواعد بنیادین در خصوص ابزارها و روش های جنگ است. در بند ۳ این ماده مقرر شده است: «روش ها یا ابزارهای جنگی که به قصد ایراد خسارت گسترده، طولانی مدت و شدید به محیط زیست طبیعی به کار گرفته می شود یا احتمالاً انتظار می رود چنین اثراتی داشته باشد ممنوع هستند». بنابراین این ماده به تنهایی از محیط زیست طبیعی محافظت می کند - که قبلاً هرگز انجام نشده بود - و نه تنها در مورد آسیب عمدی، بلکه در مورد خسارت جانبی مورد انتظار نیز کاربرد دارد. شایان توجه است که قصد خاص نیز لازم نیست (UNEP, 2009: 11). ماده ۵۵ نیز حفاظت ویژه ای از محیط زیست را در چارچوب حفاظت از اهداف غیرنظامی ارائه می دهد. همچنین به صراحت حمله به محیط زیست را از طریق اقدام مقابله به مثل منع می کند.

هسته مشترک این دو ماده، ممنوعیت حملات مسلحانه ای است که «به قصد ایراد خسارت گسترده، طولانی مدت و شدید به محیط زیست طبیعی انجام می شوند یا انتظار می رود چنین اثراتی داشته باشد». دامنه این مقررات، در نگاه اول گسترده به نظر می رسد. با این حال، همچنان مسائل مهمی در مورد آستانه نقض حقوق بین الملل از طریق فعالیت های خسارت آور مطرح است. در واقع، این استاندارد سه گانه یک الزام تجمیعی است؛ به این معنا که برای محقق شدن ممنوعیت «آسیب»، تأثیر باید گسترده، طولانی مدت و شدید باشد. پروتکل موفق به تعریف این اصطلاحات نشد، در نتیجه، آستانه بالا، نامطمئن و غیردقیق است (Lijnzaad & Tanja, 1993: 180) و گزینش واژگان مبهمی چون روش ها یا ابزارهای جنگی، قصد ایراد خسارت، احتمالاً مورد انتظار است، و آسیب گسترده، طولانی مدت و شدید به این ابهام افزوده است. در حقیقت، با اصطلاحات «آسیب گسترده، طولانی مدت و شدید»، یک آستانه بالا در شناسایی یک حمله به عنوان یک تهاجم غیرقانونی مقرر شده است؛ چراکه باید از هر سه معیار خاص گسترده، طولانی مدت و شدید برخوردار باشد (Craig, 2016: 3). با اصطلاح «گسترده»، طرفین درگیری شناختی راجع به سطح گستردگی ندارند؛ با «طولانی مدت»، طرفین باید خودسرانه ارزیابی کنند که چه مدت و در چه بازه زمانی؛ و با «شدید»، طرفین بدون رسیدن به یک تصمیم قطعی با این پرسش مواجه می شوند که چه مقدار خسارت نسبت به استانداردهای ضرورت نظامی و تناسب، بسیار شدید است؟ بنابراین مشکل مقررات پروتکل الحاقی اول این است که اصطلاحات و آستانه آسیب «گسترده، طولانی مدت و شدید» غیردقیق و برآورده شدن آنها دشوار است (Craig, 2016: 3).

همچنین مواد ۳۵ و ۵۵ در مورد خسارات متناسب با اصطلاحات «قصد ایراد خسارت» و «احتمالاً انتظار می رود» از وضوح لازم برخوردار نیست؛ بدین نحو که آسیب ناخواسته و جانبی زیست محیطی یک

حمله در محدوده این ممنوعیت قرار نمی‌گیرد. مطابق عبارت‌پردازی مفاد این دو ماده، تا زمانی که آسیب به محیط زیست «به قصد ایراد خسارت» و یا «احتمالاً مورد انتظار نباشد» که موجب صدمه‌ای «گسترده، طولانی‌مدت و شدید» شود، هیچ نقضی در خصوص این مواد رخ نداده است (Craig, 2016: 4). بنابراین، مفاد مواد ۳۵ و ۵۵ فقط نمایانگر حملات عمدی و مستقیم علیه محیط زیست است، نه توصیف دقیقی از خسارت جانبی «گسترده، طولانی‌مدت و شدید» که نه قصد حمله وجود داشته و نه مورد انتظار بوده است. سرانجام اینکه دامنه حفاظتی که پروتکل الحاقی اول از محیط زیست ارائه می‌دهد، خسارات زیست‌محیطی را که انتظار می‌رود از حمله علیه یک هدف نظامی به‌وجود بیاید، منع نمی‌کند (Dinstein, 2004: 204-205).

۲.۳. تشریح قواعد ۴۴ و ۴۵

عدم شفافیت دامنه تعهدات معاهده‌ای برای جلوگیری از آسیب رساندن به محیط زیست در هنگام مخاصمه مسلحانه، مسئله حفاظت از محیط زیست را تحت حقوق عرفی بشردوستانه قرار داده است. بدین منظور کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در سال ۲۰۰۵، طی گزارشی به ارزیابی این مسئله در حقوق بشردوستانه بین‌المللی عرفی پرداخت. این مطالعه نسخه مختصر از مفاد پروتکل الحاقی اول ۱۹۷۷ کنوانسیون ژنو ۱۹۴۹ و کنوانسیون انمود ۱۹۷۶ را به‌عنوان قانون عرفی اعلام می‌کند.

قاعده ۴۵ بیان می‌دارد: «روش‌ها و ابزارهای جنگی که به قصد ایراد خسارت گسترده، طولانی‌مدت و شدید به محیط زیست طبیعی به‌کار گرفته می‌شوند و یا احتمالاً انتظار می‌رود چنین اثراتی داشته باشند، ممنوع است. نابودسازی محیط زیست طبیعی را نمی‌توان به‌عنوان یک سلاح به‌کار برد» (قاعده ۴۵). البته یک گام واقعی رو به جلو از طریق قاعده ۴۴ محقق شده است؛ «روش‌ها و ابزارهای جنگی باید با توجه کامل به حفظ و حراست محیط زیست طبیعی به‌کار گرفته شوند. در هدایت حملات نظامی، باید تمامی تدابیر احتیاطی ممکن به‌منظور پرهیز از ورود خسارت جنبی به محیط زیست و در هر حال به حداقل رساندن این خسارات اتخاذ شود. فقدان قطعیت علمی نسبت به اثرات عملیات نظامی خاص در محیط زیست، رافع مسئولیت هریک از طرفین درگیری در اعمال تدابیر احتیاطی مزبور نیست». قاعده ۴۴ با دگرگونی در مفاد، از مقررات عام حقوق بین‌الملل بشردوستانه استفاده می‌کند؛ یعنی به‌کار بردن «اقدامات احتیاطی» که برای جلوگیری از آسیب رساندن به غیرنظامیان و اهداف غیرنظامی در ماده ۵۷ پروتکل الحاقی اول ۱۹۷۷ مقرر شده است. بنابراین، عبارت آخر قاعده ۴۴، یعنی استفاده از اصل احتیاط در مخاصمه مسلحانه که در حقوق بین‌الملل محیط زیست کاملاً تثبیت شده است، تحول شایان توجهی را نشان می‌دهد. این پژوهش، رویه‌های

محدود دولت‌ها برای حمایت از این قاعده را بیان می‌کند (هنکرتز و دوسوالدبک، ۱۳۸۷: ۲۵۰). بیشترین پشتیبانی ذکر شده بیان دو تصمیم دیوان بین‌المللی دادگستری است؛ یعنی قضیه آزمایش‌های هسته‌ای ۱۹۹۵ و نظریه مشورتی سلاح‌های هسته‌ای ۱۹۹۶. در حقیقت، این مطالعه استدلال می‌کند که به رسمیت شناختن اصل احتیاط به‌عنوان یکی از قواعد حقوق بین‌الملل عرفی محیط زیست باید در حقوق مخاصمات مسلحانه نیز منعکس شود (هنکرتز و دوسوالدبک، ۱۳۸۷: ۲۵۲). همچنین اگرچه در نگاه اول، به نظر می‌رسد قاعده ۴۴ انعکاسی از مفاد مندرج در ماده ۵۵ (۱) پروتکل الحاقی اول ۱۹۷۷ کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ باشد. با این حال، قاعده ۴۴ به‌جای «مراقبت کردن»^۱ عبارت «توجه کامل به‌عمل آوردن»^۲ را به‌کار برده است و شامل خسارت «گسترده، طولانی‌مدت و شدید» مندرج در مواد ۳۵(۳) و ۵۵ (۱) نیست. از این‌رو قاعده ۴۴، با عبارت «توجه کامل به‌عمل آوردن»، استاندارد بالاتری نسبت به تعهد «مراقبت کردن» در ماده ۵۵ (۱) مقرر می‌کند؛ این عبارت‌پردازی به‌سادگی متخصصان را ملزم می‌کند تا میان منافع حفاظت از محیط زیست و منافع نظامی تعادل برقرار کنند (Hulme, 2010: 686). در حقیقت، قاعده ۴۴، حمایت بالاتری را مقرر می‌کند، زیرا حد آستانه را حذف کرده است (Sjöstedt, 2016: 131).

۳.۳. ارزیابی نهایی مواد ماده ۳۵ (۳) و ماده ۵۵ (۱)

از آنجا که هنجارهای کمی از حقوق بین‌الملل بشردوستانه به‌صراحت به حفاظت از محیط زیست می‌پردازند و با وجود شکاف‌هایی همچون ابهامات موجود در عبارات و اصطلاحات غیردقیق در مواد ۳۵ و ۵۵ که موجب می‌شوند اهداف محیط زیست دریایی احتمالاً به اهداف نظامی تبدیل شوند، به‌نظر می‌رسد در چنین شرایطی امکان‌پذیر است به‌طور غیرمستقیم، با تعدیل ابزارها و روش‌های جنگی یا به‌واسطه محافظت از اشخاص و اهداف غیرنظامی، حفاظت مؤثرتری از محیط زیست دریایی به‌عمل آورد و مشکل خلأها و شکاف‌های موجود را با استفاده از مواد ۵۹ و ۶۰ پروتکل الحاقی اول (اماکن بی‌دفاع^۳ و مناطق غیرنظامی^۴) به‌عنوان مدلی برای ایمن‌سازی مناطق حساس محیط زیست دریایی، برطرف کرد (Bothe et al., 2010: 579).^۵

1. taking care
2. paying due regard

۳. ماده ۵۹ (۱): «حمله طرف‌های مناصمه به هر طریقی به اماکن بی‌دفاع ممنوع است.»

۴. ماده ۶۰ (۱): «برای طرفین درگیری ممنوع است که عملیات نظامی خود را به مناطقی که با توافق به آنها وضعیت منطقه غیرنظامی داده‌اند، گسترش دهند، در صورتی که این گسترش مغایر با مفاد این توافقنامه باشد.»

۵. البته خلأهای دیگری نیز در چارچوب حقوق بین‌الملل بشردوستانه وجود دارد؛ برای مثال عدم شفافیت در حقوق بین‌الملل بشردوستانه ناظر بر حفاظت از محیط زیست دریایی هنگام درگیری مسلحانه غیربین‌المللی است. این امر مسئله‌ساز است، زیرا اکثریت قریب به اتفاق مخاصمات مسلحانه فعلی غیر بین‌المللی است (Bothe et al., 2010: 579).

در تحلیل نهایی این مواد باید گفت برای بهبود اثربخشی و تأثیر مواد ۳۵ و ۵۵ پروتکل الحاقی اول کنوانسیون ژنو ۱۹۴۹، لازم است اصطلاح «گسترده»، «طولانی‌مدت» و «شدید» به‌وضوح تعریف شوند؛ به‌عنوان یک نقطه شروع در توسعه این تعاریف، نمونه‌های قبلی تعیین‌شده توسط کنوانسیون انمود ۱۹۷۶ باید به‌عنوان اساس حداقلی عمل کنند؛ یعنی اینکه اصطلاح «گسترده»، منطقی‌ای را در مقیاس چند صد کیلومتر مربع در برگیرد، «طولانی‌مدت» برای مدت چند ماه یا تقریباً برای یک فصل را در برگیرد و «شدید» شامل اختلال یا آسیب جدی یا شایان توجه به حیات انسان و منابع اقتصادی طبیعی یا سایر دارایی‌ها باشد (UNEP, 2009: 5). برای نمونه باید گفت که لزوم طولانی‌مدت بودن خسارت برای ارزیابی، مشکلاتی را به‌وجود می‌آورد؛ برای مثال در حمله به منابع نفتی در دریا ارزیابی اثر آن با گذشت زمان از نشت نفت بسیار دشوار است و چارچوب‌های زمانی ممکن است بسته به مقدار و نوع مواد نفتی و همچنین، نوع اکوسیستم تحت تأثیر نشت بسیار متفاوت باشد (Lindén, 2017: 30). آنچه‌ان که پس از حمله رژیم اسرائیل به «نیروگاه برق جیه»^۱ در لبنان در جریان جنگ بین اسرائیل و نیروهای مقاومت حزب‌الله لبنان در سال ۲۰۰۶، بانک جهانی و برنامه توسعه ملل متحد تخمین زدند که تأثیر این حمله بر تنوع زیستی دریا در اثر نشت نفت، ممکن است بین ده تا پنجاه سال به طول انجامد (UNDP, 2007: xviii & World Bank, 19: 2007). در متن ماده ۳۵ (۳) پروتکل الحاقی اول، «طولانی‌مدت» اغلب به معنای چندین دهه تفسیر شده است؛ این تفسیر نتیجه اظهار نظر برخی از شرکت‌کنندگان در کنفرانس دیپلماتیک در مورد تصویب پروتکل‌های الحاقی است (Sandoz et al., 1987: 416). البته باید توجه داشت تفسیر مذکور بیان اتفاق نظر همه تهیه‌کنندگان پروتکل الحاقی اول نیست و به‌نظر می‌رسد بهترین تعریف در زمینه اصطلاح «طولانی‌مدت» تعریف ارائه‌شده در کنوانسیون انمود است (Sjöstedt, 2016: 96). در پایان باید گفت در حال حاضر، شواهدی از استفاده دولت‌ها و اعتقاد حقوقی آنها که منعکس‌کننده رویه دولت‌هاست مبنی بر اینکه که «طولانی‌مدت» را به‌عنوان یک دوره ماهانه تعریف کنند، وجود ندارد (Lindén, 2017: 30).

۴. سایر هنجارهای مرتبط با حفاظت از محیط زیست دریایی هنگام مخاصمات مسلحانه

خسارات زیست‌محیطی ناشی از جنگ ویتنام و خلیج فارس، عدم اطمینان و ابهامات در خصوص حفاظت از محیط زیست طی درگیری‌های مسلحانه تحت حقوق بین‌الملل بشردوستانه را روشن ساخت (Craig, 2007).

1. The Jiyeh Power Station

در روزهای ۱۳ و ۱۵ ژوئیه مخازن ذخیره‌سازی نیروگاه برق جیه توسط دو حمله نیروی هوایی اسرائیل هدف قرار گرفتند و برآورد بعدی نشان داد که بین ۱۲۰۰۰ تا ۱۵۰۰۰ تن نفت در دریای مدیترانه پخش شد (UNDP, 2014: 1).

2: 2016). پس از این زمان، ابتکارات جهانی گسترده‌ای جهت بهبود و تقویت مقررات حقوق بین‌الملل بشردوستانه به منظور حفاظت از محیط زیست انجام گرفت؛ کنوانسیون ۱۹۷۶ در خصوص ممنوعیت استفاده نظامی یا هرگونه استفاده از تکنیک‌های تغییر محیط زیست (انمود) از جمله این مقررات هستند. همچنین بررسی مفاد مرتبط اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی ۱۹۹۸، نیز در این زمینه می‌تواند شایان توجه باشد.

۱.۴. کنوانسیون انمود ۱۹۷۶

کنوانسیون انمود به‌عنوان واکنشی به تاکتیک‌های نظامی که ایالات متحده در جنگ ویتنام به کار گرفت، تصویب شد. این تاکتیک‌ها، شامل برنامه‌هایی مانند تحریک زمین‌لرزه‌ها، سونامی‌ها یا تغییر در الگوهای آب‌وهوا برای اصلاح محیط زیست در مقیاس بزرگ بود که به تبدیل محیط زیست به سلاح منجر می‌شد. این کنوانسیون همچنین واکنشی به استفاده از مقادیر زیادی مواد شیمیایی-معروف به عوامل نرنجی، سفید و آبی- بود که به رنج گسترده و طولانی‌مدت انسان‌ها -مرگ، سرطان و سایر بیماری‌ها، جهش‌ها و نقایص مادرزادی-، آلودگی‌های زیست‌محیطی و همچنین تخریب قابل توجه جنگل‌ها و حیات وحش منجر شد (UNEP, 2009: 12). ماده ۱ کنوانسیون انمود استفاده نظامی یا هرگونه استفاده خصمانه دیگر از تکنیک‌های تغییر محیط زیست به منظور تخریب، آسیب یا صدمه به هر کشور عضو دیگر را که دارای تأثیرات گسترده، طولانی‌مدت یا شدید است، منع می‌کند. از متن چنین استنباط می‌شود که آنچه ممنوع است صرفاً استفاده عمدی از تکنیک‌های تغییر محیط زیست به‌عنوان ابزار یا روش‌های جنگی به منظور تخریب، خسارت یا آسیب است. در مقابل، پروتکل الحاقی اول ۱۹۷۷ کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ که اندکی پس از کنوانسیون انمود منعقد شده است، نه تنها روش‌ها یا ابزارهای جنگی را که به محیط زیست طبیعی آسیب گسترده، طولانی‌مدت و شدید وارد کند، بلکه مواردی را که احتمالاً «انتظار می‌رود» چنین اثراتی داشته باشد نیز منع کرده است (AP I, 1977: Arts 35(3) & (1)). بنابراین در مقایسه با کنوانسیون انمود، دو توسعه شایان توجه در پروتکل الحاقی اول ۱۹۷۷ در زمینه ممنوعیت وجود دارد؛ یکی اینکه هر روش یا ابزار جنگی، نه فقط تکنیک‌های تغییر محیط زیست، تا زمانی که ممکن است به محیط زیست طبیعی آسیب برساند، ممنوع است. دیگر اینکه حتی اگر آسیب به محیط زیست مقصود متخاصمان نباشد، با وجود این به کار گرفتن روش‌ها و ابزارهای جنگی که «انتظار می‌رود» چنین تأثیراتی داشته باشند، ممنوع هستند (Ma & Sun, 2016: 525).

۲.۴. اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی

در خصوص حفاظت از محیط زیست دریایی می‌توان به ماده ۸ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی نیز استناد کرد. در تعریف اساسنامه رم، تنها در صورتی که آسیب طولانی‌مدت به محیط زیست نسبت به مزیت نظامی عینی و مستقیم پیش‌بینی شده از حمله، بیش از حد باشد، یک جنایت جنگی تلقی می‌شود. مفاد این ماده با پروتکل الحاقی اول به کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ تفاوت دارد؛ چراکه هم به قصد و هم آگاهی به نتیجه نیاز دارد و مرتکب حمله برای اینکه جنایتکار جنگی تلقی شود، باید آگاه باشد که آسیب‌هایی که به محیط زیست وارد می‌شود نسبت به مزیت نظامی پیش‌بینی شده بیش از حد زیاد خواهد بود. چنین مقرره‌ای به خلأهایی زیادی منجر می‌شود و چنین مسئله‌ای توانایی این ماده را در حفاظت از محیط زیست و مجازات آسیب‌های زیست محیطی زمان جنگ، محدود می‌کند (Craig, 2016: 4-5).

این ماده با سه ماده از پروتکل الحاقی اول مرتبط است، اما یکسان نیست؛ این موارد عبارت‌اند از ماده ۵۱ (ب)، در مورد منع حملاتی که موجب آسیب‌های جانبی «بیش از حد» به غیرنظامیان یا اهداف غیرنظامی می‌شود و دو ماده در مورد محیط زیست (مواد ۳۵ (۳) و ۵۵) که پیشتر در مورد آنها بحث شد.

در این ماده رکن مادی جنایت جنگی و الزاماتی که خسارتی تحت آن شرایط گسترده، طولانی‌مدت و شدید تلقی شود، تعریف نشده و مبهم است (همانند مواد ۳۵ و ۵۵ پروتکل الحاقی اول). به علاوه، رکن معنوی تحقق جرم کاملاً ذهنی است و در نتیجه کشف این امر که مباشر می‌دانسته حمله نامتناسب خواهد بود، دشوار است. در نهایت طبق اساسنامه رم، آسیب به محیط زیست فقط در صورت مغایرت با اصل تناسب، منع شده است. اساسنامه فقط صدمه‌ای به محیط زیست را منع می‌کند که در زمینه مزیت نظامی پیش‌بینی شده از حمله بیش از حد باشد. این استاندارد در التزام به حفاظت از محیط زیست دریایی خلأهایی دارد و مباشر می‌تواند با بهره‌گیری از نواقص ذاتی مقررات، از این مفرها بهره‌مند شود. این چارچوب به‌واسطه اینکه بیش از حد سختگیرانه و دقیق می‌باشد، فاقد استحکام لازم است. ذهنی بودن رکن معنوی تحقق جرم نیز ضرورت نظامی را قادر می‌سازد خسارت غیرقانونی به محیط زیست را بی‌اعتبار کند (Craig, 2016: 5). بنابراین، اساسنامه رم دارای ایراداتی است و به نظر می‌رسد مؤثرترین راه در ممانعت از جنایات جنگی در محیط زیست دریایی نیست.

۱. ماده ۸ بند ۲ شق «ب» (۴): «شروع عمدی حمله با این آگاهی که این حمله موجب از دست دادن جان انسان‌ها یا آسیب به غیرنظامیان یا آسیب رساندن به اهداف غیرنظامی یا آسیب گسترده، طولانی‌مدت و شدید به محیط زیست طبیعی خواهد شد که به‌وضوح در رابطه با مزیت نظامی ملموس و مستقیم پیش‌بینی شده بیش از حد خواهد بود.»

۵. امکان سنجی مسئولیت بین‌المللی دولت ناقض محیط زیست دریایی در هنگام مخاصمه مسلحانه

راهکارهای جبرانی موجود مطابق مقررات بین‌المللی برای خسارات زیست‌محیطی ناشی از مخاصمات مسلحانه شامل اشکال مختلف جبران خسارت در حقوق مسئولیت دولت‌ها می‌شود. در حال حاضر، هیچ حوزه خاصی از حقوق بین‌الملل وجود ندارد که مسئولیت دولت‌ها را در برابر خسارات محیط زیست دریایی در زمان جنگ مورد توجه قرار داده باشد. در مقابل، قواعد عام مسئولیت دولت‌ها قابل اجراست. «شاو» مسئولیت دولت را یک اصل بنیادین حقوق بین‌الملل توصیف می‌کند که از ماهیت نظام حقوقی بین‌المللی و دکتترین حاکمیت دولت و برابری دولت‌ها ناشی شده است (Shaw, 2014: 566). دکتترین مسئولیت دولت‌ها به‌عنوان مجموعه‌ای از قواعد ثانویه که مربوط به پیامدهای ناشی از نقض قواعد اولیه حقوق بین‌الملل است، به شکل مطلوب شناسایی شده است (Shaw, 2014: 566). همچنین شایان ذکر است که قواعد مسئولیت دولت‌ها بدون توقف در زمان جنگ اعمال می‌شود (Leibler, 1992: 75). کمیسیون حقوق بین‌الملل مجموعه‌ای از پیش‌نویس مواد مسئولیت دولت‌ها در برابر اعمال متخلفانه بین‌المللی (مصوب ۲۰۰۱)، تهیه کرده است که شامل قواعد بنیادین ناظر بر مسئولیت دولت‌هاست؛ «هر عمل متخلفانه بین‌المللی یک دولت، مسئولیت بین‌المللی آن دولت را به‌دنبال دارد» (ILCDA, 2001: art. 1). ماده ۲ آن نیز مقرر می‌کند: «عمل متخلفانه یک دولت هنگامی محقق می‌شود که رفتار دربرگیرنده یک فعل یا ترک فعل (الف) به موجب حقوق بین‌الملل قابل انتساب به آن دولت باشد؛ و (ب) نقض تعهد بین‌المللی دولت را بنیان نهد». این بدان معناست که صرف نظر از اینکه یک دولت تعهدی را که در یک معاهده یا در حقوق بین‌الملل عرفی قید شده، نقض کرده باشد، دارای مسئولیت است. هیچ‌یک از این دو ماده علی‌الظاهر^۱ استانداردی از نقض را تعیین نمی‌کنند تا تحقق مسئولیت سختگیرانه به‌نظر برسد. با وجود این قواعد ماهوی قابل اجرا می‌تواند آستانه نقض خاص خود را تعیین کنند. در پرونده کارخانه کورزوف، دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی این اصل را وضع کرد که جبران خسارت باید همه پیامدهای اقدام غیرقانونی را از بین ببرد و وضعیتی را که به احتمال زیاد در صورت ارتکاب آن عمل وجود نداشت، دوباره برقرار کند (PCIJ, 1928: 47). رابطه حقوقی ناشی از مسئولیت دولت مستلزم «هم توقف عمل متخلفانه و هم جبران هرگونه خسارت وارده» است (ILCDA, 2001, General commentary, p 31). برای نمونه پس از نشت نفت، پاکسازی و بازسازی خط ساحلی لبنان توسط دولت لبنان، اعضای جامعه بین‌المللی و همچنین بازیگران جامعه مدنی انجام گرفت (UNEP, 2007:)

6). برآورد حداقلی بانک جهانی هزینه عملیات پاکسازی، از دست دادن تنوع زیستی، آسیب به اماکن حفاظت‌شده و همچنین از بین رفتن درآمد حاصل از ماهیگیری، گردشگری و منابع طبیعی را ۲۰۳/۱ میلیون دلار اعلام کرده است (World Bank, 2007: 39). هزینه‌های نشت نیز در قطعه‌نامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل متحد منعکس شده است که ارزش خسارت وارده به لبنان را ۸۵۶/۵ میلیون دلار برآورد کرده و از اسرائیل خواسته است تا غرامت کافی را بپردازد (UN Doc. A/Res/71/218, 2017: 4-5). سؤالی که مطرح می‌شود این است که آیا رژیم اسرائیل به جبران خسارت مطابق حقوق مسئولیت دولت‌ها ملزم می‌شود؟ بر اساس حقوق مسئولیت دولت‌ها، یک عمل متخلفانه بین‌المللی مستلزم عمل یا ترک فعلی است که به دولت منتسب بوده و ناقض یک قاعده حقوق بین‌الملل که برای آن کشور الزام‌آور است، باشد (ILCDA, 2001: art 2). در این زمینه، دلایل کافی در مورد نسبت دادن اعمال به رژیم اسرائیل وجود دارد؛ بمباران تانکرها و مخازن در نیروگاه برق جیه توسط نیروی هوایی اسرائیل به‌عنوان نهاد وابسته به رژیم اسرائیل انجام گرفت. مسئولیت رژیم اسرائیل در قبال اقدامات ارتش آن در ماده ۳ کنوانسیون چهارم لاهه ۱۹۰۷ و ماده ۹۱ پروتکل الحاقی اول ۱۹۷۷ به کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ منعکس شده و همچنین بخشی از حقوق بین‌الملل عرفی شناخته می‌شود (abbari-Gharabagh, 1999: 121). این عمل به رژیم اسرائیل نسبت داده می‌شود. مسئله شایان توجه این است که آیا خسارت زیست‌محیطی دریایی عمل متخلفانه است یا خیر. بنابراین، در دسترس بودن غرامت تحت مسئولیت دولت‌ها به تفسیر قواعد ماهوی حقوق بین‌الملل که در رابطه با آسیب‌های محیطی زمان جنگ قابل اجراست، بستگی دارد. قواعد ماهوی مخاصمات مسلحانه که بیشترین اهمیت را دارد، بدین صورت است: ممنوعیت ایجاد خسارت گسترده، طولانی‌مدت و شدید به محیط زیست (مواد ۳۵ (۳) و ۵۵ (۱) پروتکل الحاقی اول ۱۹۷۷ کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ و قاعده ۴۵ از مجموعه قواعد عرفی حقوق بین‌الملل بشردوستانه ۲۰۰۵)، تعهد به توجه کامل به عمل آوردن نسبت به محیط زیست در عملیات نظامی (قاعده ۴۴ از مجموعه قواعد عرفی حقوق بین‌الملل بشردوستانه) و تعهد به کارگیری اصول تفکیک، ضرورت و تناسب در جنگ.

پروتکل الحاقی اول ۱۹۷۷ در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی قابل اجراست. در قضیه تادیچ، دیوان کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق این نظر غالب را تأیید کرد که مخاصمه مسلحانه بین‌المللی زمانی محقق می‌شود که دولت‌های طرف مخاصمه به نیروهای مسلح متوسل شوند (ICTY, 1995: 70). بدان معنا که هر سطحی از خشونت خصمانه بین نیروهای مسلح دو دولت برای اثبات مخاصمه مسلحانه بین‌المللی کافی است (Lindén, 2017: 24). واضح است که مخاصمه محقق شده است، با

این حال، اسرائیل عضو پروتکل الحاقی اول ۱۹۷۷ نیست. بنابراین مواد ۳۵ (۳) و ۵۵ (۱) پروتکل برای اسرائیل الزام‌آور نیست. تنها در صورتی که این قواعد بخشی از حقوق بین‌الملل عرفی را تشکیل دهند، می‌توان از نقض به‌عنوان پایه‌ای برای مسئولیت رژیم اسرائیل استفاده کرد.

قواعد ۴۴ و ۴۵ از مجموعه قواعد عرفی حقوق بین‌الملل بشردوستانه ۲۰۰۵، به‌جز برخی تفاوت‌ها که در تشریح آنها در مباحث بالا بیان شد، انعکاسی از مفاد مندرج در ماده ۳۵ (۳) و ۵۵ (۱) پروتکل الحاقی اول ۱۹۷۷ کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ هستند. اما، در مقابل تأکید بر جایگاه عرفی قواعد ۴۴ و ۴۵ (Koppe, 2006: 199)، برخی در مورد وضعیت این قواعد به‌عنوان حقوق بین‌الملل عرفی شک و تردیدهایی را ابراز می‌کنند (Hulme, 2010: 686)، همچنین این استدلال نیز وجود دارد، اگرچه وجود قاعده عرفی برای متعهد کردن دولت‌ها جهت توجه به محیط زیست در هنگام جنگ بسیار محتمل است، اما محتوای آن روشن نیست (Sjöstedt, 2016: 134). به‌نظر می‌رسد اگرچه دولت‌ها اغلب تمایلی به تصویب مقررات جدید زیست‌محیطی در چارچوب حقوق مخاصمات مسلحانه ندارند، اما رویه دولت‌ها روند رو به رشد توجه به محیط زیست را نشان می‌دهد (Sjöstedt, 2016: 133). در نتیجه باید گفت اگرچه ارزیابی یکسانی در خصوص عرفی بودن قواعد ۴۴ و ۴۵ وجود ندارد و همه صاحب‌نظران در عدم شفافیت محتوای دقیق آنها اتفاق نظر دارند، اما شواهد عرفی بودن آنها شایان توجه است؛ باید برای مطالعه حقوق عرفی بشردوستانه توسط صلیب سرخ جهانی که با پشتیبانی از سوی جامعه بین‌المللی انجام شده و توسط متخصصان، دانشگاهیان، دادگاه‌ها، دولت‌ها و ارگان‌های سازمان ملل برای شناسایی عرف استفاده شده است، وزن ویژه‌ای قائل شد (Lindén, 2017: 26-27). برخی اعتقاد دارند که شرط «توجه کامل» که در قاعده ۴۴ مقرر شده، به‌خوبی پذیرفته شده است (Bothe et al., 2010: 575). این گروه، در مستندسازی استدلال خود به دو مورد قواعد نیمه‌رسمی^۱، استناد می‌کنند؛ مورد اول دستورالعمل راهنمای «سن‌رمو»^۲ در مورد حقوق بین‌الملل قابل اجرا در مخاصمات مسلحانه در دریاست که در آن آمده است «روش‌ها و ابزارهای جنگی باید با «توجه کامل» به محیط زیست دریایی به‌کار گرفته شوند» (San Remo Manual, 1994: art 44). مورد دوم، دستورالعمل دانشگاه هاروارد در مورد حقوق بین‌الملل قابل استفاده در جنگ‌های هوایی و موشکی است که در همین زمینه مقرر می‌کند، «تخریب محیط زیست طبیعی به‌طور افراط‌گونه ممنوع است» (HPCR, 2009: Rule 88). همچنین، دستورالعمل اخیر تأکید دارد که «در برنامه‌ریزی و انجام عملیات هوایی و موشکی، باید به محیط زیست طبیعی «توجه

1. Semi-official
2. San Remo

کامل» داشت» (HPCR, 2009: Rule 89). باید پذیرفت که ممنوعیت تخریب «فراط‌گونه» عناصر محیط زیست طبیعی و اصل «توجه کامل» هم برای محیط زیست مطلوب‌تر و هم از مفاد پروتکل الحاقی اول انعطاف‌پذیرتر است (Bothe et al., 2010: 575). به نظر می‌رسد ممنوعیت آسیب‌های گسترده، طولانی‌مدت و شدید زیست‌محیطی در جنگ و تعهد به توجه کامل به محیط زیست به‌عنوان بخشی از حقوق عرف بین‌المللی در حال شکل‌گیری تلقی می‌شوند (Lindén, 2017: 26-27). از این‌رو به نظر می‌رسد نقض هریک از این تعهدات در مخاصمه مسلحانه در خصوص محیط زیست دریایی می‌تواند مسئولیت دولت را ایجاد کند.

در پایان، باید گفت مقررات مربوط به حفاظت از محیط زیست هنگام مخاصمات مسلحانه مبهم است و در نتیجه امکان بیشتری برای نقض آنها وجود دارد. اگرچه از لحاظ نظری امکان‌پذیر است، تا زمانی که چنین وضعیتی در مورد قواعد ماهوی مذکور حاکم باشد، به‌ندرت امکان توسل به مقررات مسئولیت دولت‌ها وجود دارد.

۶. نتیجه

مخاصمات مسلحانه نه‌تنها می‌تواند پیامدهایی همچون تلفات انسانی شایان توجه، تخریب خانه‌ها و آوارگی جمعیت غیرنظامی را در پی داشته باشد، بلکه می‌تواند موجب تخریب گسترده محیط زیست و آلوده کردن آن شود؛ تخریب‌ها و خسارت‌هایی که ممکن است پس از اتمام مخاصمه نیز استمرار داشته و تهدید جدی زیست‌محیطی را ایجاد کند. حقوق بین‌الملل بشردوستانه مربوط به مخاصمه مسلحانه است و از این‌رو، مقررات آن، در زمینه حفاظت از محیط زیست دریایی صرفاً تا حدی می‌تواند ثمربخش واقع شود و با آلودگی و تخریب محیط زیست دریایی مقابله کند که در جریان یک مخاصمه مسلحانه رخ داده باشد. مطالعه اصول بنیادین حقوق بین‌الملل بشردوستانه در حفاظت از محیط زیست دریایی نشان می‌دهد حقوق بین‌الملل موجود در حال حاضر یک رژیم حقوقی معتبر برای جلوگیری از آسیب به محیط زیست دریایی هنگام مخاصمه و همچنین تحمیل مسئولیت به دولت‌هایی که به‌عنوان یک تاکتیک عمدی نظامی هنگام مخاصمه موجب آلودگی محیط زیست دریایی می‌شوند، ارائه نمی‌دهد.

کارکرد هنجارهای عام حقوق بین‌الملل بشردوستانه در حفاظت از محیط زیست دریایی هنگام مخاصمه مبهم و نامطمئن است. تجزیه و تحلیل مقررات حقوق بین‌الملل بشردوستانه ضعف‌های کلیدی، خلأها و شکاف‌های زیادی را در حفاظت از محیط زیست دریایی نشان می‌دهد؛ مفاد پروتکل الحاقی اول ۱۹۷۷ محدودیت‌هایی را در حفاظت از محیط زیست مقرر می‌کند، اما آستانه حمایتی آن -یعنی گسترده،

طولانی‌مدت و شدید- از خسارات زیست محیطی، بیش از حد محدودکننده و نامشخص است. همچنین هنجارهای حقوق بین‌الملل بشردوستانه در خصوص حفاظت از اهداف غیرنظامی، در برابر آسیب‌های محیط زیست دریایی هنگام درگیری مسلحانه حفاظت کافی را مقرر نمی‌کنند. تعیین تناسب در آسیب به محیط زیست که «آسیب جانبی» تلقی می‌شود، دشوار است. در این مقاله تلاش شده است برای هریک از این شکاف‌ها، راهکارهای مقتضی ارائه شود: فارغ از محدودیت‌هایی ناشی از اصول بنیادین حقوق بین‌الملل بشردوستانه که می‌توانند محدودیت‌های حداقلی جهت حفاظت از محیط زیست دریایی هنگام مخاصمه را ایجاد کنند، استناد به شرط مارتنس می‌تواند کارکرد مؤثری داشته باشد؛ چراکه به نظر می‌رسد با عنایت به ابهام و عدم شفافیت و یا عدم وضع مقررات دقیق در زمینه حفاظت از محیط زیست دریایی هنگام مخاصمه، به‌کارگیری شرط مارتنس حتی در مضیق‌ترین تفسیر آن می‌تواند با توجه به مبانی مشترک اصول آن (عرف مسلم، اصول بشردوستانه و اصول وجدان عمومی) با مبانی متضمن حفاظت از محیط زیست، متخاصمان را در به‌کارگیری ابزارها و روش‌های جنگی که ممکن است برای محیط زیست دریایی آسیب‌زا باشند محدود کند. همچنین اتخاذ تدابیر احتیاطی، ضرورت به‌روزرسانی مقررات مربوط، تبیین و تعریف دامنه هنجارهای موجود، وضع مقررات جدید ناظر بر مخاصمات مسلحانه در زمینه حفاظت از محیط زیست - به‌طور مشخص محیط زیست دریایی - از جمله پاسخ‌های مناسب برای مقابله با چالش‌های محیط زیست دریایی هنگام مخاصمه هستند.

منابع

۱. فارسی

الف) کتاب‌ها

۱. دوسوالدبک، لوییس و هنکرتز، ژان ماری (۱۳۸۷). *حقوق بین‌المللی بشردوستانه عرفی*. ج ۱: قواعد، ترجمه دفتر امور بین‌الملل قوه قضاییه جمهوری اسلامی ایران و کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، ویرایش متن کتابیون حسین نژاد و پوریا عسکری، تهران: مجد.
۲. رابرتس، آدام (۱۳۹۰). «حقوق جنگ در مخاصمه ۹۱-۱۹۹۰ خلیج فارس». در *حقوق بشردوستانه بین‌المللی*، تألیف و ترجمه حسین شریفی طراز کوهی، تهران: میزان.
۳. ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۹۲). *حقوق بین‌الملل بشردوستانه*. تهران: گنج دانش.
۴. فلیک، دیتر (۱۳۸۷). *حقوق بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه*. گروه مترجمان، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.

۵. ممتاز، جمشید (۱۳۹۰). حمایت از محیط زیست مطابق کنوانسیون های ژنو (با اشاره به جنگ اول خلیج فارس؛ اشغال کویت). در حقوق بشردوستانه بین المللی، تألیف و ترجمه حسین شریفی طراز کوهی، تهران: میزان.

ب) مقالات

۶. زر نشان، شهرام (۱۳۹۷). نسبت میان شرط مارتنس و حقوق بشر در نظم حقوقی بین المللی جدید. فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، ۴۸(۲)، ۳۱۹ - ۳۳۸.

۲. انگلیسی

A) Book

1. Carson T. (2014). "Advancing the Legal Protection of the Environment in Relation to Armed Conflict: Protocol I's Threshold of Impermissible Environmental Damage and Alternatives". in Rosemay Rayfuse (ed.), *War and the Environment: New Approaches to Protecting the Environment in Relation to Armed Conflict*, Martinus Nijhoff, Leiden and Boston, MA.
2. Dinstein, Y. (2004). *The conduct of hostilities under the law of international armed conflict*. Cambridge, UK: Cambridge University Press.
3. Koppe, E. V. (2006). *the Use of Nuclear Weapons and the Protection of the Environment during International Armed Conflict*. Gildeprint.
4. Matilda, L. (2017). *Environmental Damage in Armed Conflict; To What Extent Do the Remedies Available for Environmental Damage in Armed Conflict Reflect the Polluter Pays Principle? The Cases of the Jiyeh Power Station and the Niger Delta Conflict*, Master thesis, Gothenburg University.
5. O'Riordan, T. & Cameron J. (2013). *Interpreting the Precautionary Principle*, Routledge, London and New York.
6. Sands, P. (1994). *Principles of International Environmental Law*. Cambridge University Press, Cambridge.
7. Shaw, M. N. (2014). *International Law*, 7th ed. Cambridge University Press.
8. Simon, M. (2003). *the Precautionary Principle in the Law of the Sea: Modern Decision Making in International Law*. Martinus Nijhoff, The Hague, London and New York.
9. Sjöstedt, B. (2016). *Protecting the Environment in Relation to Armed Conflict: The Role of Multilateral Environmental Agreements*. Diss. Lund University.
10. Vöneky, S. (2000). "Peacetime environmental law as a basis of state responsibility for environmental damage caused by war." In J.E. Austin and C.E. Bruch (Eds.), *the environmental consequences of war: Legal, economic, and scientific perspectives*, Cambridge University Press, Cambridge.

B) Article

11. Bothe, M. (1991). The Protection of the Environment in Times of Armed Conflict. 34 *GERMAN YB INT'L L.* 54.

12. Bothe, M., Bruch, C., Diamond, J., & Jensen, D. (2010). International law protecting the environment during armed conflict: Gaps and opportunities. *International Review of the Red Cross*, 92(879), 569- 592.
13. Jeffrey Craig, (2016). The protection of the Environment under International Humanitarian Law. DOI: 10.13140/RG.2.2.13418.77762.
14. Jha, U. (2014). Armed conflict and environmental damage. *Vij Books India*.
15. Jinxing Ma and Shiyan Sun, (2016). Restrictions on the use of force at sea: An environmental protection perspective. *International Review of the Red Cross*, 98 (2), 515-541.
16. Karen, H. (2010). Taking Care to Protect the Environment against Damage: A Meaningless Obligation?. *International Review of the Red Cross*, 92(879).
17. Leibler, A. (1992). Deliberate Wartime Environmental Damage: New Challenges for International Law. *23 California Western International Law Journal*.
18. Lijnzaad, L., & Tanja, G. J. (1993). Protection of the Environment in Times of Armed Conflict: the Iraq-Kuwait War. *Netherlands International Law Review*, 40(2), 169-199.
19. Low, L., & Hodgkinson, D. (1995). Compensation for wartime environmental damage: Challenges to international law after the Gulf War. *Virginia Journal of International Law*, 35.
20. M. Jabbari-Gharabagh, (1999). Type of State Responsibility for Environmental Matters in International Law. 33:1 *Revue Juridique Thémis de l'Université de Montréal*.
21. Sandoz Y., C. Swinarski and B. Zimmermann (eds.), (1987). Commentary on the Additional Protocols of 8 June 1977 to the Geneva Conventions of 12 August 1949. *International Committee of the Red Cross*.

C) Other Documents

22. Additional Protocol to the Geneva Conventions of 12 August 1949, and relating to the Protection of Victims of International Armed Conflicts (Protocol I), 8 June 1977.
23. Convention (IV) respecting the Laws and Customs of War on Land and its annex: Regulations concerning the Laws and Customs of War on Land. The Hague, 18 October 1907.
24. ICJ, Case Concerning the Gabčíkovo-Nagymaros Project (Hungary/Slovakia), Judgment of 25 September 1997.
25. ICJ, Fisheries Jurisdiction (Spain v. Canada), Judgment, ICJ Reports 1998.
26. ICJ, Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons, Advisory Opinion of 8 July 1996.
27. ICJ, Request for an Examination of the Situation in Accordance with Paragraph 63 of the Court's Judgment of 20 December 1974 in the Nuclear Tests (New Zealand v. France) Case, Order of 22 September 1995.
28. ICTY, Appeals Chamber, Tadić case, Decision on the Defense Motion for Interlocutory Appeal on jurisdiction, 2 October 1995, IT-94-I-AR72.
29. IUCN, (2000). A Martens Clause for Environmental Protection, World Conservation Congress Resolution 2.97.
30. Organisation for Economic Co-operation and Development, Recommendation of the Council on Guiding Principles Concerning International Economic Aspects of

-
- Environmental Policies and Annex, 26 May 1972.
31. PCIJ, Chorzów Factory Case, Judgment of 14 September 1928, PCIJ Series A, No. 17.
 32. Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts, Text adopted by the Commission at its fifty-third session, in 2001.
 33. Rio Declaration on Environment and Development, A/CONF. 151/26, 14 June 1992 (Rio Declaration).
 34. Rome Statute of the International Criminal Court, adopted on 17 July 1998, entry into Force: 1 July 2002. UN Doc. A/CONF.183/9.
 35. San Remo Manual on International Law Applicable to Armed Conflict at Sea Harvard University, Program on Humanitarian Policy and Conflict Research (HPCR), Manual on International Law Applicable to Air and Missile Warfare, Bern, 2009.
 36. The 1980 Protocol on Prohibitions or Restrictions on the Use of Incendiary Weapons was adopted on 10 October 1980 and entered into force on 2 December 1983.
 37. UN Doc. A/RES/47/37(1993).
 38. UN Doc. A/Res/71/218, 3 February 2017.
 39. UNDP, (2007), "Lebanon Rapid Environmental Assessment for Greening Recovery Reconstruction and Reform".
 40. UNDP, (2014), "Report on the Measurement & Quantification of the Environmental Damage of the Oil Spill on Lebanon".
 41. UNDP, (2014), "Report on the Measurement & Quantification of the Environmental Damage of the Oil Spill on Lebanon".
 42. UNEP, (2009), "Protecting the Environment during Armed Conflict: An Inventory and Analysis of International Law".
 43. World Bank, "Republic of Lebanon Economic Assessment of Environmental Degradation Due to July 2006 Hostilities", Report No. 39787-LB (World Bank Sustainable Development Department, Middle East and North Africa Region, 2007).